

نقش اولیاء و معلمان در دعوت به نماز

زینب مرامی^۱

^۱ کارشناس ارشد مهندسی مکانیک، گرایش تبدیل انرژی، واحد مهندسی عمومی، کارشناس ارشد پاپینگ، پتروشیمی ایلام
zeinabmarami@yahoo.com

چکیده

زندگی پاکیزه هنگامی به دست خواهد آمد که انسان دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارد تا به کمک آن بتواند با همه جاذبه های بدی و فساد مبارزه کند و دست شیطان های درونی و برونی را از سر خود کوتاه کند. توفیق این ذکر و حضور همیشگی، فقط به برکت نماز به دست می آید. «نماز در حقیقت، پشتوانه استوار و ذخیره تمام نشدنی است که آدمی را در مبارزه با شیطان نفس که همواره او را به پستی و زبونی می کشاند و شیطان های قدرت که با زر و زور و تزویر او را وادار به ذلت و تسلیم می کند، یاری می رساند و محکم ترین و کارسازترین وسیله ای است که انسان های در آغاز راه رابطه خود را با خدا با آن استوار می کنند و برجسته ترین اولیای خدا نیز بهشت خلوت انس خود با محبوب را در آن می جویند.

بدین ترتیب، لازم است برای روبه رو شدن با سردرگمی های زندگی و پیش گیری از انحراف های اخلاقی و رفتاری خود و افراد خانواده به ویژه فرزندان، از این سرچشمه رحمت الهی جام برداریم؛ زیرا فرزندان، امانتی الهی هستند که به پدر و مادر سپرده شده اند. قلب آنها در کودکی و نوجوانی پاک، ساده و بی پیرایه است، آن چنان که پذیرای هر نقش و روکننده به هر سو هستند. پس چه بهتر که از همان آغاز، نقش نماز را در دل و جان فرزند پدید آوریم و بدین گونه او را از گزند شیطان باز بداریم.

کلمات کلیدی

نماز، فرزندان، خانواده و مدرسه، دعوت به نماز

تاریخچه

نماز از چه زمانی به وجود آمد؟ آیا از اول خلقت بر انسان واجب بوده یا تنها مسلمانان مأمور به آن بوده‌اند، اگر وجود داشته کیفیت و کمیت آن چگونه بوده است؟

یکی از چیزهایی که همه پیامبران الهی به آن دعوت می‌کردند «پرستش خداوند» است. قرآن کریم از زبان پیامبران نقل می‌کند که به امت‌هایشان می‌گفتند:

«اغْبُدُوا اللَّهَ؛ خدا را پرستش کنید». آیه ۷۲ سوره مائده

اصل عبادت و پرستش خداوند در همه شریعت‌های الهی وجود داشته، ولی شکل و کیفیت آن متفاوت بود.

از قرآن کریم استفاده می‌شود که نماز در امت‌های پیشین هم بوده است؛ همه پیامبران از حضرت آدم تا حضرت خاتم نماز می‌خواندند، اما از چگونگی آن اطلاع دقیقی در دست نیست.

خداوند متعال خطاب به حضرت موسی علیه السلام می‌فرماید: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛ من «الله» هستم، معبودی جز من نیست؛ مرا بپرست و نماز را برای یاد من بر پادار». آیه ۱۴ سوره طه

همچنین قرآن کریم به نقل از حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید:

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا؛ و مرا وجودی پر برکت قرار داده، در هر کجا باشم و [خداوند] مرا به نماز و زکات توصیه کرده مادامی که زنده‌ام». آیه ۳۱ سوره مریم

از این آیات شریف روشن می‌شود که نماز در مکتب دو پیامبر بزرگ الهی - موسی و عیسی علیهما السلام - وجود داشته همان‌گونه که در مکتب دیگر پیامبران بوده است، چنان‌که درباره حضرت شعیب علیه السلام آمده است:

«قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَمْ لَكِ صَلاَتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا؛ گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم ...». آیه ۸۷ سوره هود

هیچ شریعت و دینی از نماز جدا نبوده گرچه صورت ظاهری آن تفاوت داشته است.

زرتشتیان، پنج نماز دارند که در هنگام طلوع آفتاب و ظهر و عصر و اول شب و هنگام خواب، بپا می‌دارند. یهودیان در ساعت سوم و ششم و نهم روز و اول و آخر شب و هنگام تناول غذا، دعاهایی دارند. مسیحیان، روز یک‌شنبه و برخی روز شنبه در کلیسا جلسه دعای دسته‌جمعی تشکیل می‌دهند.

کیفیت و کمیت نماز در شریعت اسلام با شرایط پیشین متفاوت است، لکن در بیشتر آن آیین‌ها، سجده جزئی از این عبادت محسوب می‌شود.

علاوه بر تشریح نماز در ادیان الهی، بت‌پرستان نیز در برابر بت‌هایشان، وردهایی می‌خوانده‌اند. اعراب جاهلی هم در مقابل کعبه می‌ایستادند و با کف‌زدن و سوت کشیدن اظهار عبادت می‌کردند:

«وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً؛ و نماز و دعای آنان نزد آن خانه جز سوت کشیدن و کف زدن نیست». آیه ۳۵ سوره انفال

نتیجه آن که اصل نماز و عبادت در تمامی ادیان الهی وجود داشته ولی کیفیت و کمیت نماز در دین اسلام با ادیان گذشته تفاوت‌های دارد که علت اساسی آن تحریفاتی است که در بسیاری از ادیان سابق صورت گرفته است.

که ره آورد آن پرهیز از منکر و فحشا و گریز از آلودگی و همسایگی با پاکی و تهذیب و صفا و صداقت خواهد بود. (۳)

۱- مقدمه

اگرچه در فضای زیستن، بیشتر انسان‌ها به ظواهر و مادیات توجه دارند، ولی با کمی تأمل و درنگ، به روشنی مشخص خواهد شد، آنچه در رتبه‌ای از اهمیت خاص، برای هر انسان آگاه و یا حتی کم توجه قرار دارد، مسأله معنویت و بعدروحانی زندگانی می‌باشد و صدالبته این انعطاف به سوی ضلع معنوی و بعد روحانی، یک تأثیرگیری از سوی فطرت انسانی است. بنابراین باید گفت: «معنویت اصلی‌ترین ضلع حیات انسان است». به طور مثال، محبت آدمی به هم‌نوع خود، بغض انسان از دشمن خویش، میل به زیبایی و... همه اینها گزینه‌های برتر هر شخص، با هر عقیده و سلیقه فکری و ملی است.

به همین علت امور معنوی و روحانی، در فضای حیات آدمی نه محو می‌شود و نه کم رنگ خواهد شد؛ بلکه مورد انحطاط و یا اشباع کاذب قرار خواهد گرفت. به بیان دیگر، آنچه سبب گریز از راه صحیح پرداختن به امور معنوی و روحانی می‌شود، ناتوانی انسان از درک و دریافت لطایف راهبردی و راهکارهای درست ارضای معنوی؛ احساس عدم شناخت از امور روحانی و حتی سستی در اندیشه در آن امور است. زیرا ارتباط محسوس و نزدیک با صنعت و وسایل تکنیکی و... به تدریج و آرام، انسان را به تن‌آسایی و سستی می‌کشاند و او را به امور ماشینی عادت می‌دهد و از پرداختن به مسائل مهم حیات دور می‌کند.

این رفاه طلبی کاذب و تن‌آسایی مخرب، حرکت در راه صحیح امور معنوی را کند و اعتبار و ارزش اجرای آن را دستخوش تحریف خواهد کرد و چه بسا به پذیرش جایگزین مخرب آن بینجامد، که در این صورت انسان متفکر و فعال به موجودی شبیه زنده که فقط تماشاگر فعل و انفعال و نقل و انتقال طبیعت و محیط است، تبدیل می‌شود و آن گاه که در مسائل مادی چنین می‌شود، در امور معنوی جای هیچ پرسش و تعجبی نمی‌ماند.

انسان در جستجوی نامتناهی است و این میل نشانه بارزی است از یک وجود نامتناهی. انسان در هر امری سراغ نامتناهی می‌رود و نامتناهی حقیقی خداست. وقتی انسان سجاده‌ای می‌افکند و به نماز می‌ایستد در حقیقت در مقابل آن نامتناهی سجده می‌کند، در برابر حیات نامتناهی، زیبای نامتناهی، علم نامتناهی و قدرت نامتناهی که در این دنیا پیدا نمی‌کند.

سرگشتگی همه در دنیا به علت آن است که نیازهای نامتناهی را سراغ امر متناهی برده‌اند و آن معیشتی که قرآن می‌فرماید تجلی همین سرگشتگی است. (۱) همان سردرگمی انسان غربی که با همه ترقیات و کشف ستاره‌ها و ماه و سفر به فضا باز به آن مبتلاست. این همه بیماری‌ها و گرفتاری‌ها نیز برای این است که از این نامتناهی حقیقی غافلند و آن میل نامتناهی را متوجه امر محدود کرده‌اند.

نماز پروازگاه روح، جویبار تظهيرکننده قلب، روشنایی چشم عارفان، تکیه‌گاه مطمئن سالکان و رهپویان و پشتوانه آرامش و تسکین روان انسان است.

فرصت نمازگزاردن، بهشتی است که انسان برای اعتلا و انبساط درون خویش می‌آفریند. آسمانی است که پذیرای بال‌های پرواز می‌باشد و کشتی نجاتی است که از موج خیز حادثه‌ها به ساحل فلاح و سلامت می‌رساند. گسترش فرهنگ نماز، تضمین مصونیت، تعالی و بندگی و همدلی و یگانگی جامعه است. (۲)

اگر در محیط خانواده، فرهنگ نماز گسترش و ژرفا یابد، اگر ترنم نماز فضای خانواده را معطر و متبرک سازد، اگر کودکان و فرزندان، پدر و مادر را مقید و معتقد به نماز ببینند، بی‌هیچ تردید آنان نیز الگوی خویش را از خانواده خواهند گرفت و انس و الفت با نماز خواهند یافت

۲- معنا و مفهوم نماز

اعضای خانواده را فراهم می کند. یکی از راه های رسیدن به استحکام خانواده در تفکر اسلامی داشتن اقتدار عاطفی و منطقی و برخورداری والدین از بصیرت و بینش اجتماعی است. آگاهی های مستمری که می تواند ضامن رشد مطلوب شخصیت اجتماعی کودکان و نوجوانان شود و در این صورت است که زمینه رشد اعتقادی و پایبند کردن آنان به ارزش های عبادی و انجام فریضه ها در چنین خانواده هایی به راحتی قابل طرح و اجراست (۵) در محیط خانواده ای که اعضای آن متعبد هستند فضای آرام حاکم بوده و اعضای آن از اعتماد به نفس بالایی برخوردار هستند.

جمع این گونه خانواده ها همچون ظروف مرتبط هستند که به هنگام کسر شدن یکی از آنها دیگر ظروف جای خالی آن را پرمی کند. بدون اینکه ضرر یا وقفه ای در مجموعه ایجاد شود. خانواده در یک نگاه تحلیلی مرکب از قول، فعل، صدق و صفاست.

به عبارتی والدین یا با قولشان یا با فعلشان و یا با صدقشان، فضایی را شکل می دهند تا فرزندان را تربیت کنند.

۴- خانواده و اصول آموزش نماز

همان طور که توضیح داده شد نهاد خانواده برای تربیت دینی فرزندان پتانسیل بسیار بالایی در خود دارد خداوند این حیات دو نفره را به گونه ای قرار داده است که اگر قواعد و اصول مبتنی بر قابلیت های درونی آن به درستی شناخته شود و اصول تربیتی و یادگیری نیز مورد استفاده قرار گیرد اقدامات بسیار موثری را در خصوص تربیت دینی به طور عام و آموزش نماز به طور خاص می توان به انجام رساند.

۴-۱- استفاده از انرژی مثبت درون خانواده

در درون خانواده سرمایه عاطفی و انرژی مثبت زیادی قرار داده شده است. با بهره برداری از آن خیلی از برنامه های تربیتی را می توان به اجرا در آورد. این مسئله وقتی انجام می شود که مادر بتواند بین خود و فرزند، صمیمت بسیار فراتر و ریشه دارتر از صمیمت های تولید شده در سایر ارتباطات در زندگی به وجود آورد.

وقتی مادری در یک فضای مدیریت شده عاطفی به دختر خود یا پسر خود می گوید: دخترم یا پسرم چند لحظه می آیی پیش من؟ این جمله یک فضای روانی و عاطفی خاص در فرزند به وجود می آورد به نحوی که آمادگی او را برای پذیرش برخی از انتظارات والدین فراهم می نماید.

در چنین فضای عاطفی اگر یکی از والدین در مورد نماز یا نمازخوان ها موضوعی را و یا قصه ای را شرح می دهد به احتمال قوی با توجه به

نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت و یکی از فرایض دین و عبادت مخصوصی است که مسلمانان پنج بار در شبانه روز به جا می آورند. نماز یعنی خدمت و بندگی، فرمان برداری، سر فرود آوردن و تعظیم کردن به نشانه احترام.

نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداوند است. نماز، رابطه معنوی مخلوق با خالق است. نماز یعنی دل کندن از مادیات و پرواز دادن روح؛ یعنی پا را فراتر از دیدنی ها و شنیدنی ها نهادن.

۳- ارزش خانواده در تفکر اسلامی

خانواده در تفکر اسلامی جایگاهی بسیار رفیع دارد. اگر موضوع خانواده در اسلام را با سایر اموری که مشابه این مقوله است مقایسه کنیم برجستگی خاصی در مسئله خانواده ملاحظه می کنیم که بعضی از آنها مهم و بعضی مهمتر هستند. اما گاهی اموری وجود دارند که واژه ای اهم نیز برای آنها کفایت نمی کند و باید به دنبال ادبیات دیگری برای بیان عظمت آنها بود از جمله این موضوعات، موضوع "خانواده" است.

خانواده به چند دلیل دارای اهمیت است یک دلیل آنکه اصولا کل وجود آدمی از درون خانواده ریشه گرفته و در آن تکوین می یابد، به بیان دیگر، پیمانه های وجود آدمی در خانواده شکل می گیرد و همه تاثیرات بیرونی در محدوده این پیمانه تحقق پیدا می کند دلیل دیگر این است که می بینیم آغاز خلقت انسان با خانواده شروع شده است آیا سر این قضیه این نیست که خانواده رکن عالم هستی است؟ آیا این امر بدان معنا نیست که خانواده، رکن عالم هستی است و به کل هستی جهت می دهد؟ (۴)

خانواده، منظومه ای متشکل از زن و مرد و فرزندان است که سلسله روابط عمیق روحی، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان آنان جاری است و با هدف رفع نیاز و کسب آرامش در حیطه روابط بالاو تولید و تربیت نسل، به حیات خود ادامه می دهد.

در حقیقت خانواده مهمترین جایگاه پرورش نیروی انسانی و محیطی مناسب برای رشد اعضای خود به شمار می رود و با رشد اعضای خانواده است که اجتماع رشد می کند.

خانواده آرامشگاه همسران و طبیعی ترین بستر رشد و شکوفایی و تعالی آدمی است. پس خانواده کانونی است که در آن ارزش های اخلاقی، باورهای دینی و معیارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد و زمینه رشد عاطفی و تربیت اخلاقی و اجتماعی

۴-۴- ارتباط خانه و مدرسه

ارتباط خانه و مدرسه از لوازم غیرقابل اغماض در تربیت دینی است. ضرورت این ارتباط را ویژگی توحیدی تربیت به وجود می آورد. تربیت به طور ذاتی به وحدت و یکپارچگی همه نهادهای تربیتی و بخصوص دو نهاد خانه و مدرسه محتاج است. به همین دلیل برنامه های آموزش نماز در خانواده باید از طرف آموزش و پرورش حمایت شود. چگونه ممکن است یک کودک در مدرسه به طرق مختلف پیام های مربوط به نماز را دریافت کند ولی در خانواده چنین فضایی نباشد و او نمازخوان پرورش یابد؟

از جمله اقداماتی که در این مورد می توان انجام داد آن است که والدین از طریق مدرسه در جریان کامل محتوای آموزشی کتاب های درسی درخصوص نماز قرار گیرند و در منزل نیز در راستای آن محتواها به تقویت رفتار فرزندان خود بپردازند.

۴-۵- رعایت اعتدال

پرهیز از افراط و تفریط قاعده اساسی زندگی است. از طریق رعایت میانه روی به معنای واقعی کلمه می توان بهتر به هدف رسید. در تربیت دینی و آموزش نماز نیز از این اصل باید پیروی نمود. علائق گوناگون فرد مستلزم فعالیت های متنوع در زندگی است که هرکدام از آنها تاثیر خاص در مجموعه حیات انسان به جا می گذارد. نماز با همه قداستی که دارد نباید وقت بازی و یا استراحت کودک و نوجوان را بگیرد. اصولنمازی که مزاحم انجام فعالیت های طبیعی کودک باشد، نظم تربیتی مطلوب نخواهد داشت. لذا والدین باید با کسب آگاهی از همه جنبه های زندگی فرزند خود، آسان گیری و اعتدال را مراعات کنند.

۴-۶- عکس العمل های مناسب در قبال رفتارهای دینی فرزند

عمل و عکس العمل مناسب باعث پیشرفت و اصلاح امور در زندگی انسان می شود. اگر رفتاری از فرد بخصوص از جانب کودک و یا نوجوان سر بزند ولی پاسخی دریافت نکند آن رفتار منجر به آثار مطلوب نخواهد بود. رفتارهای نامطلوب با عکس العمل درست، تعدیل و اصلاح می شود و رفتارهای مطلوب از طریق عکس العمل های صحیح تقویت می گردد. در مورد نماز نیز از همین قاعده باید پیروی کرد.

قابل ذکر است که عکس العمل صرفاً به تشویق و یا تنبیه محدود نمی شود ممکن است عکس العمل مربی یک تذکر مفید باشد، تذکری که نه تشویق است نه تنبیه، ولی اثر مفیدی در رفتار فرد دارد به عنوان

استماع موثر از ناحیه فرزند مواجه خواهد شد. بدون تردید اگر فردی با علاقه به چیزی گوش بدهد و گوینده نیز محبوب او باشد کلام در او تاثیر گذاشته و زمینه عمل کردن به آن نیز فراهم می شود. پس والدین باید این قدرت عاطفی پنهان در خانواده را بپذیرند و به درستی از آن استفاده کنند.

۴-۲- تناسب پیام و انتظار با شرایط سنی فرزند

هر گروه سنی به مثابه پیمانانه ای است که بیش از ظرفیت خود پذیرای محتوای اضافی نمی باشد. قبل از هرکسی خود خداوند متعال در تربیت دینی انسان ها در طول تاریخ این موضوع را با عمل مطلق خود رعایت کرده است. فلسفه بعثت انبیا و انزال کتب به طور تدریجی ریشه در این محدودیت ذاتی بشر دارد. مربیان و والدین بدون رعایت این اصل نمی توانند پیام های خود را به کودکان و نوجوانان بقبولانند.

آموزش نماز مانند سایر مسائل تربیتی به شرط قبول مرتبی اثر بخش است لذا از جمله مسائل اساسی که والدین باید از خود بپرسند و پاسخ آن را از منابع معتبر به دست آورند آن است که: "فرزند دوره ابتدایی من، دارای کدام علائق و چه توان ذهنی است؟" و آیا اینکه "فرزند نوجوان من مطابق یافته های روانشناسی و آموزه های دینی، کدام ویژگی های را داراست؟ اینها سوالات مبنایی برای هر پدر و مادر است.

وقتی که فهمید در دوره کودکی "دیدن" بیش از "شنیدن" کار ساز است در پیام های مربوط به نماز نیز عمدتاً از رفتار و عمل بهره می گیرد تا حرف و گفتار.

۴-۳- رعایت استمرار و مداومت

تعلیم و تربیت با اقدامات قطعی و گسسته از هم تحقق پیدا نمی کند. خداوند آدمی را طوری آفریده است که باید اقدامات تربیتی به طور مرتب و مستمر بر او اعمال شود تا در مرتبه نهادینه گردد. علت تکرار انجام دستورات دینی در طول روزها و ماه ها و سال ها نیز در این ویژگی آدمی نهفته است لذا خانواده برای تربیت دینی و تقویت روحیه نمازخوانی در فرزند باید برنامه داشته باشد و این برنامه به طور مداوم اجرا شود. البته معنای مداومت، آن نیست که با تکرار ملال آور خواسته های خود، روح او را آزرده کنیم و شیرینی عبادت و نماز را در کام او تلخ نماییم. خیلی از جنبه های مداومت می تواند نامرئی و غیر مستقیم باشد. به طور مثال هر بار سجاده نماز را جلوی دیدگان فرزند خردسال پهن می کنیم تا او را نسبت به نماز علاقه مند کنیم. اگر این عمل را به برنامه هر روز خود تبدیل کنیم خواهیم دید که اثر خود را خواهد داشت اصولاً اتصال و ارتباط با روح و روان کودک را نباید رها کرد.

مثال وقتی که پدر یا مادری به فرزند خود که تداوم در نماز خواندن ندارد در مورد "الذین فی صلاتهم ساهون" توضیح مختصری به تناسب درک او بدهد در قالب این نوع تذکرها قرار می گیرد.

۵- روش های موثر

آنچه که در قالب اصول، توضیح داده شد باید ها و نبایدهای حاکم بر رفتار مربی یا مربی است که در جمیع شرایط و در همه اقدامات تربیتی قابل اجراست. اکنون چند روش کاربردی که والدین می توانند با به کارگیری آنها اثر مثبت در وجود فرزند خود به جا بگذارند توضیح داده می شود. (۶)

۱-۵- روش الگویی

اگر در محیط خانواده فرهنگ نماز گسترش و ژرفا یابد، اگر ترنم نماز فضای خانه را معطر کند اگر فرزندان پدر و مادر را به قصد نماز ببیند بی هیچ تردید آنان نیز الگوی خویش را از خانواده خواهند گرفت و انس و الفت با نماز خواهند یافت که ره آور آن پرهیز از فحشا و منکر و گریز از آلودگی و همسایگی با پاکی و تهذیب صفا و صداقت خواهد بود.

اگر اعضای خانواده همه با یکدیگر به اقامه نماز بپردازند و همه به وحدت درونی دست یابند در بیرون نیز با یکدیگر همگونی و هماهنگی خواهند داشت و موجبات آرامش روانی را برای آنان در پی خواهد داشت زیرا نه در جامعه با یکدیگر تضادی دارند و نه والدین با فرزندان خویش اختلاف اساسی و جدی خواهند داشت. تجارب تربیتی و مهمتر از آن دلالت های دینی حاکی از آن است که "فعل پدر و مادر" تأثیری فراوان در تقویت روحیه و انجام فرائض دینی از جمله نماز در فرزند به جا می گذارد. زیرا اصولاً خداوند انسان را طوری آفریده که از اسوه ها و یا نمونه های عینی اثر می پذیرد.

قول والدین مکمل فعل است اما هیچکدام جای دیگر را نمی گیرد. منتهی هریک در موقعیت مناسب باید به کار گرفته شود، زیرا قول گسسته از فعل، تأثیرگذار نیست. (۷)

۲-۵- فضا سازی معنوی

فرزندی که در خانواده ای لبریز از ذکر و یا در محبت خدا به دنیا می آید هیچ گاه نیازی ندارد که آموزش ویژه برای نماز ببیند. زیرا از همان آغاز تولد در گوشش اذان و اقامه می گویند و او را به "صلوه" و "فلاح" و "خیر العمل" دعوت می کنند. در خانه ای که مشحون از ذکر خداست فرزند نیز با این ذکر پرورش می یابد و دلی که با ذکر حق

تعالی، جلا یابد هرگز از منبع قدرت لایزال الهی نمی گریزد و "انس" با خدا را در "ذکر" با خدا می یابد.

در خانه ای که با والدین به مناجات شبانه بر می خیزند و اهل خانه همگی معتقد و مقید به آداب دینی هستند چگونه ممکن است فرزندشان گریزان و روی گردان از خدا باشد؟

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا سوال کرد: یا رسول الله! دانستیم که چگونه خود را از آتش جهنم ننگه داریم؟ با انجام واجبات و پرهیز از محرمات! اما ندانستیم که فرزندان و خانواده خود را چگونه از آتش جهنم حفظ کنیم؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند:

۱- اعملوا الخیر: خود عامل عمل خیر باشید.

۲- واذکروا هم بالله: یاد خدا را در دل هایشان زنده کنید.

۳- و امروا هم بالمعروف: این گونه نباشید که آنها را رها کنید، بلکه با رفق و مدارا و ملایمت آنها را به معروف هدایت و راهنمایی کنید.

۴- و انهیهم عن المنکر: آنها را در میان امواج متلاطم دنیا رها نکنید بلکه از آنچه او به فساد و تباهی می کشد منع و بازدارید.

وقتی فرزند براساس محبت خود به نماز ایستاد، آن وقت است که نمازش معنا پیدا می کند چون که نماز بدون محبت، اگر در طریق وصول به معنا نباشد، سودبخش نیست.

وقتی فرزند توجه لازم را داشت، آرام، آرام به این کار انس می گیرد. لطف خدا را در نماز در می یابد و پرده غفلت برای او کنار می رود.

امام سجاد (ع) می فرماید: وظیفه پدر و مادر این است که فرزندان را دلالت به خدا کنند (توجه به خدا) که اعم از نماز خواندن است. اینکه از همان سه سالگی امر به سجده کردن فرزند نماید و سپس کلمه "لا اله الا الله" را به او بیاموزد و باملایمت و آرامی او را در سن هفت سالگی آموزش نماز دهند تا او در ۹ سالگی بتواند با وضو نماز بخواند.

۳-۵- پاسخ به کنجکاوی های کودک به عنوان یک فرصت

کنجکاوی کودک یک ویژگی طبیعی اوست که پاسخ آن ضمن ایجاد آرامش روحی و روانی کودک، فرصت مناسب در اختیار والدین قرار می دهد تا بتوانند رفتارهای مناسب و مطلوب در او به وجود آورند براین اساس وقتی که فرزندان از مادر در مورد مسائل اعتقادی و نماز می پرسند فرصت مناسب برای ما به وجود آورده اند تا بتوانیم با پاسخ های مناسب و یا طرح سوالات موثر در او اثر تربیتی بگذاریم.

به عنوان مثال وقتی که فرزندی از پدر یا مادر خود سوال می کند:

شیواترین آموزش ها باید با رغبت های فراگیران همخوانی داشته باشد تا آموزش ها "نهادینه" گردد.

- این میوه چقدر شیرین و خوشمزه است، از کجا آمده و یا درست شده است؟

۶- نتیجه گیری

- این ماهی چگونه در آب زندگی می کند و نمی میرد؟

از این مقاله که سعی شده است با روشی ساده نتیجه می گیریم که مهمترین راه رسیدن به الطاف الهی نماز است که از دستاورد های نماز به جز این مورد می توان پاک شدن انسان ها، دوری از گناه، جلوگیری از ناهنجاری در عصر مدرن و ... نام برد. خانواده و مدرسه نیز باید بدانند که به فرزندان در کودکی نماز و امر به معروف را آموخته تا فرزندان عاقبت به خیر شوند و در کل نتیجه می گیریم که نماز، معراج رسیدن به عروج است.

- این آسمان و ستاره های زیبا را چه کسی آفریده است؟

و هزاران سوال دیگر، به همین شکل که همه ناشی از حس کنجکاوی کودک است. از طریق همین سوال ها با همان زبان کودکانه که مناسب دریافت اوست می توان او را به سازنده و خالق رهنمون کرد. به او در مقابل همه این داده ها و نعمت ها آموخت که چگونه باید تشکر و قدردانی کرد و به نماز به عنوان یکی از شیوه های تشکر کردن اشاره نمود.

۴-۵- حضور در مجامع و محافل نماز

۷- مراجع

مشاهدات انسان یکی از عوامل موثر در تربیت انسان است. قرآن در آیات متعدد انسان ها را به "دیدن" و "فکر کردن" دعوت می کند. بین "دیدن" و "باور کردن" رابطه مستقیم وجود دارد. باید کاری کنیم که فرزند ما با صحنه های گوناگون اقامه نماز و آماده شدن برای اقامه نماز مواجه شود. شرکت در نمازهای جماعت مسجد محله، شرکت در نماز جمعه و موارد مشابه به آن می تواند در تقویت روحیه نمازگزاران فرزندان ما موثر باشد.

۱- و من اعرض عن ذکری و ان له معیسه ضنکا، سوره طه، آیه ۱۲۵.

۲ و ۳- نماز در سیمای خانواده، جمعی از نویسندگان.

۴- خانواده و تربیت دینی، حسن ملکی.

۵- خانواده از منظر ارزش های اسلامی، غلامعلی افروز.

۶- زندگی در پرتو ارزش ها، حسن ملکی.

۷- خانواده و نماز، جمعی از نویسندگان.

منصوره رحماندوست

روزنامه رسالت، شماره ۶۳۴۸ به تاریخ ۱۱/۰۳/۸۶ صفحه ۷ (خانواده)

۵-۵- ایجاد ارتباط بین زیبایی و نماز

انسان یک موجود زیبا دوست است و به دنبال زیبایی ها می رود و این ویژگی را خداوند در وجود آدمی قرار داده است بخصوص کودک و نوجوان که بیش از بزرگسالان زیبایی ها را می بیند و دوست دارد. با ترتیب دادن یک سجاده زیبا و چادر نمازی قشنگ برای دختران، جانماز و لباس زیبا برای پسران می توان رغبت آنها به نماز خواندن و حضور در جمع نمازگزاران را فزونی بخشید. هر قدر والدین بتوانند زیبایی ها را با نماز خواندن پیوند بزنند، به همان اندازه موفق تر خواهند بود. باتوجه به نکات و راهکارهای فوق در می یابیم که هر اندازه برنامه های مریبان با نیازها و علایق و رغبت های افراد (متربی) تناسب و هماهنگی داشته باشد، رفتار و نگرش مثبت به آن برنامه ها در افراد افزایش می یابد و هر اندازه این اعمال و روش ها با رغبت و علاقه متربی فاصله داشته باشد و یا در تعارض باشد، نه تنها جاذبه ایجاد نکرده بلکه باعث بی علاقتی، بی رغبتی و گاه تنفر و بیزاری در آنان می شود. در هر حال هنر مریبانی که می خواهند نیاز درونی افراد را به پرستش خدا شکوفا و هدایت کنند این است که زیباترین شکل و